

Journal of Research in Psychological Health
September 2024, Volume 18, Issue 2



Development and testing of the causal model of students' tendency towards addiction based on insecure attachment styles with the mediation of coping styles

Hojjatollah Mohammadzadeh ^{1*}, Alireza Aghayousfi ^{2*}, Emad Yousefi ³

^{1.} PhD student in Educational Psychology, Qeshm International Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran.

^{2.} Associate Professor, Department of Psychology, Payam Noor University, Tehran, Iran. arayeh1100@gmail.com

^{3.} Assistant Professor, Department of Psychology and Educational Sciences, Qeshm Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran.

Citation: Mohammadzadeh, H. Aghayousfi, A. & Yousefi, E. Development and testing of the causal model of students' tendency towards addiction based on insecure attachment styles with the mediation of coping styles. *Journal of Research in Psychological Health*. 2024; 18 (2):1-15 [Persian].

Article Info:

Key words

Addiction tendency, attachment styles, coping styles

Abstract

The aim of the present study was to investigate the prediction model students' addiction tendencies based on insecure attachment styles with the mediation coping styles. The research method was descriptive and structural equation modeling. The statistical population in this research included undergraduate students of Payam Noor Qom University in 1400, from whom 285 people were selected as a sample using non-probability sampling method. The research tools included the Revised Attachment Styles Questionnaire (Collins and Reed, 1990), Coping Styles Questionnaire (Lazarus and Folkman, 1980) and Addiction Tendency Scale (Wade and Bopper, 1992). The results of the conceptual model test showed that the fit indices of the research model are in a favorable condition. Insecure attachment style and tendency to use drugs had a direct and significant relationship ($P \leq 0.005$). Also, insecure attachment style through coping styles had significant indirect effects on students' tendency to use drugs ($P \leq 0.005$). The findings of the research indicated the appropriate fit of the conceptual model of the research. Based on this, in addiction treatment clinics, it is necessary to pay attention to attachment styles and coping styles to reduce the level of addiction tendency.

تدوین و آزمون مدل علی گرایش به اعتیاد دانشجویان بر اساس سبک‌های دلبستگی ناایمن با میانجی‌گری سبک‌های مقابله‌ای
حجت الله محمدزاده^۱، علیرضا آقا یوسفی^{۲*}، عماد یوسفی^۳

۱. دانشجوی دکتری روان شناسی تربیتی، واحد بین المللی قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.

۲. دانشیار، گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. arayeh1100@gmail.com

۳. استادیار، گروه روانشناسی و علوم تربیتی، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.

چکیده هدف از پژوهش حاضر بررسی مدل پیش بینی گرایش به اعتیاد دانشجویان بر اساس سبک‌های دلبستگی ناایمن با میانجی‌گری سبک‌های مقابله‌ای بود. روش پژوهش توصیفی و از نوع مدل سازی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری در این پژوهش شامل دانشجویان مشغول به تحصیل در مقطع کارشناسی دانشگاه پیام نور قم در سال ۱۴۰۰ بودند که از بین آنها تعداد ۲۸۵ نفر به عنوان نمونه به شیوه نمونه گیری غیراحتمالی در دسترس برگزیده شدند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه سبک های دلبستگی تجدید نظر شده (کولینز و رید، ۱۹۹۰)، پرسشنامه سبک های مقابله ای (لازاروس و فولکمن، ۱۹۸۰) و مقیاس گرایش به اعتیاد (وید و بوپر، ۱۹۹۲) بودند. نتایج آزمون مدل مفهومی نشان داد شاخص های برازش مدل پژوهش در وضعیت مطلوبی قرار دارد. سبک دلبستگی ناایمن و گرایش به مصرف مواد رابطه مستقیم و معنادار داشتند ($P \leq 0/005$). همچنین سبک دلبستگی ناایمن از طریق سبک های مقابله ای تاثیرات غیرمستقیم معناداری بر گرایش به مصرف مواد دانشجویان داشت ($P \leq 0/005$). یافته های پژوهش حاکی از برازش مناسب مدل مفهومی پژوهش بود. بر این اساس در کلینیک های درمان اعتیاد، برای کاهش سطح گرایش به اعتیاد توجه به سبک‌های دلبستگی و سبک‌های مقابله‌ای ضروری است.	تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۰۲/۱۷ تاریخ پذیرش نهایی ۱۴۰۳/۰۶/۳۱ واژگان کلیدی گرایش به اعتیاد، سبک‌های دلبستگی، سبک‌های مقابله‌ای
---	---

مقدمه

سوءمصرف مواد امروزه به یکی از دغدغه های بزرگ جوامع بشری تبدیل شده است. این پدیده خانمان سوز آثار مخرب جسمانی، روانی، خانوادگی، شغلی، مالی، اخلاقی، پیامدهای نامطلوب اجتماعی و همچنین از بین رفتن سرمایه های انسانی جوان و مغزهای متفکر را به دنبال دارد (رابینسون و بریج، ۲۰۲۴). اعتیاد^۱ به معنای پاسخ فیزیولوژیک بدن به مصرف مداوم مواد اعتیادآور است، به طوری که تکرار مصرف، نشاط آنی و آرامش موقت را برای فرد در پی دارد و با ایجاد اختلال در کنترل سیستم رفتار-پاداش، موجب افزایش جست و جوی فرد برای یافتن مواد و ایجاد وابستگی شدید نسبت به آن می شود (اسپانازل و همکاران، ۲۰۲۴). افراد وابسته به مواد از لحاظ روانی و جسمی وابستگی زیادی به مواد مصرفی خود پیدا می کنند، به گونه ای که به مرور زمان مقدار مصرف خود را افزایش می دهند (لی و همکاران، ۲۰۲۴). با توجه به ارتباط بسیار نزدیک اعتیاد با بیماری های ناشی از اعتیاد مانند ایدز و هپاتیت، بررسی الگوی مصرف مواد در زیرگروه های جمعیتی و منطقه ای می تواند تعیین کننده بار این گونه بیماری ها نیز باشد و این مسئله اهمیت مطالعه الگوی مصرف مواد در جمعیت های مختلف را پررنگ می کند (نیکولیناکو و همکاران، ۲۰۲۴).

یکی از قشرهایی که سوءمصرف مواد در بین آنها رواج دارد، دانشجویان هستند. بسیاری از آنها بلافاصله پس از پایان دوره دبیرستان، تحصیلات دانشگاهی را آغاز کرده اند، همچنان که بسیاری نیز برای اولین بار از خانه و والدین دور شده اند. این سبک زندگی و همچنین میزان برخورداری آن ها از حمایت اجتماعی به علاوه استرسی که به این قشر وارد می شود بر میزان گرایش و آمادگی آن ها برای اعتیاد تاثیر دارد. تاثیرات مخرب استرس و پیامدهای منفی آن که اعتیاد هم می تواند از پیامدهای آن باشد و می تواند ناشی از عدم حمایت از فرد چه از جانب خانواده و چه از جانب اجتماع دانست (اسپانازل و همکاران، ۲۰۲۴). در این زمینه پژوهش های مختلفی به بررسی شیوع مصرف مواد

مخدر در بین دانشجویان پرداخته اند. به عنوان مثال نتایج پژوهش آل مامون و همکاران (۲۰۲۴) نشان داده است که ۸/۵ درصد از دانشجویان تحت مطالعه حداقل یک بار تجربه مصرف مواد را داشته اند و در تقریباً ۱۰ درصد حوزه های دانشجویی بیش از یک بار تجربه مصرف مواد گزارش شده است. در پژوهش دیگری امیر نیا و همکاران (۲۰۲۴) عنوان کردند که ۳۹/۳ درصد از دانشجویان دانشگاه های تهران حداقل یک بار تجربه مصرف موارد مخدر را داشته اند. بررسی های همه گیرشناسی حاکی از روند رو به افزایش مصرف سیگار، مشروبات الکلی و سایر مواد در بین دانشجویان است (یونس و همکاران، ۲۰۲۴). در همین زمینه پژوهشگران عنوان می کنند که عوامل بی شماری، از جمله فردی، خانوادگی و اجتماعی، در شروع، ادامه و بازگشت پس از درمان سوءمصرف مواد موثرند.

اکثر پژوهش ها، فرضیه های مختلفی در زمینه عوامل گرایش به اعتیاد بیان کرده اند که فرضیه های مربوط به عوامل زیستی-روانی-اجتماعی-هیجانی از جمله مهم ترین این فرضیه ها به شمار می روند (لی و همکاران، ۲۰۲۴). در این بین، عوامل روانی - هیجانی طیف گسترده ای از متغیرها را شامل می شود که از جمله آنها می توان به سبک های دلبستگی و سبک های مقابله ای اشاره کرد. دلبستگی عبارت است از یک موقعیت عمیق و پایدار زیستی، اجتماعی و روانشناختی که بر اساس ارتباطی که میان کودک و مراقب اصلی او در سالهای ابتدایی زندگی شان تجربه می کنند، شکل می گیرد (دین و دینک، ۲۰۲۴). طرفداران رویکرد دلبستگی اعتقاد دارند که سبک های دلبستگی که کودک بر اساس الگوهای فعال درونی خود شکل می دهد، تا بزرگسالی ادامه داشته و در روابط بزرگسالانه خود را منعکس می سازد (نیکولیناکو و همکاران، ۲۰۲۴). سبک های دلبستگی همچنین بر شکل گیری شخصیت نقش بسزایی داشته (آیچنبرگ و همکاران، ۲۰۲۴) و در صورت عدم تکوین دلبستگی فرد در بزرگسالی ممکن است مشکلات زیادی را در برقراری روابط نزدیک تجربه کند (دین و دینک، ۲۰۲۴). یافته های

پژوهشی نشان می دهد که یکی از ویژگی های خانواده هایی که فاقد روابط صمیمی هستند، مصرف بیشتر مواد مخدر در بین اعضای آن است (احمدی و همکاران، ۲۰۲۳). در همین زمینه اوستونداغ و همکاران (۲۰۲۴) در پژوهش خود نشان دادند که دلبستگی ضعیف می توان احتمال مصرف مواد را افزایش دهد آیچنبرگ و همکاران (۲۰۲۴) نیز به رابطه بین سبک های دلبستگی و مقدار مصرف الکل و سیگار در گروهی از دانشجویان اشاره کرده و نقش سبک های دلبستگی را در گرایش به اعتیاد برجسته ساخته اند. کافمن و همکاران (۲۰۱۴) نیز در پژوهش خود به ارتباط تنگاتنگ سبک دلبستگی ناایمن و مصرف مواد اشاره کرده اند.

متغیر دیگری که می تواند با گرایش به اعتیاد در دانشجویان مرتبط باشد، سبک های مقابله ای است. سبک های مقابله ای در واقع شیوه هایی است که انسان ها در برخورد با فشارها، ناکامی ها، ناامیدی ها و شکست ها به کار می برند و به تلاش های شناختی و رفتاری افراد برای برآوردن نیازهای درونی و برونی به صورت آگاهانه اشاره دارد (دانگ و همکاران، ۲۰۲۴). به اعتقاد لازاروس و فولکمن (۱۹۸۴) سبک های مقابله ای به طور کلی در سه شکل مشخص می شود. سبک های مقابله ای مسئله مدار، مهارتی است که بر پرداختن به خود مسئله یا موقعیت تمرکز می کند، سبک های مقابله ای هیجان مدار که در آن افراد تلاش می کنند به جای تمرکز بر مشکل و حل آن بیشتر در پی آن باشند تا پیامدهای هیجان منفی عامل استرس را مهار کنند و سبک های مقابله ای اجتناب مدار که طی آن افراد تلاش می کنند که از مشکل و مسئله ایجاد شده اجتناب کنند. بر اساس بررسی های انجام گرفته روش های مقابله ای متمرکز بر مسئله در موقعیت های قابل کنترل مؤثرتر هستند، در صورتی که برای موقعیت های غیرقابل کنترل (مرگ یکی از عزیزان) عمدتاً مقابله متمرکز بر هیجان مناسب تر است (هانگ و همکاران، ۲۰۲۴). پژوهشگران معتقدند که سبک های مقابله ای می توانند رویدادهای تنش را تحت تاثیر قرار داده و چگونگی برخورد افراد با

این رویدادها را تعیین کنند (سانچز-فرناندز و همکاران، ۲۰۲۴). در همین راستا چنگ و همکاران (۲۰۲۳) نیز عنوان می کنند که سبک های مقابله ای در واقع نشان دهنده تفاوت های فردی در آسیب پذیری از مشکلات جسمانی و روانی می باشد. در شرایطی که فرد با موقعیت های آسیب زا مواجه می شود در صورتی که بتواند از سبک های مقابله ای مناسب استفاده کند، قادر خواهد بود با نیازها و چالش های زندگی را مدیریت کرده و اثرات مخرب استرس در این شرایط را مهار کند (دانگ و همکاران، ۲۰۲۴).

سبک های مقابله ای علاوه بر اینکه بر گرایش به مصرف مواد تاثیرگذار است، از سبک های دلبستگی نیز تاثیر می پذیرد. یافته های موجود در این زمینه نشان می دهد که سبک دلبستگی بزرگسالی تحت شرایط تنش زا فعال می شود و باعث می شود که افراد به شیوه های متفاوتی نسبت به موقعیت تنش زا واکنش نشان دهند (سانچز-فرناندز و همکاران، ۲۰۲۴). به عنوان مثال در صورتی که فرد دلبستگی ایمن داشته باشد در چنین شرایطی از سبک های مقابله ای سازش یافته تری استفاده می کند و در صورت برخورداری سبک دلبستگی ناایمن، راهبردهای مقابله ای مورد استفاده راهبردهای سازش نیافته خواهند بود (دین و دینک، ۲۰۲۴).

با توجه به نقش میانجی گرایانه ای که سبک های مقابله ای می توانند در ارتباط بین سبک دلبستگی و گرایش به مصرف مواد در بین دانشجویان ایفا کنند، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ گویی به این پرسش است که آیا سبک های مقابله ای نقش میانجی گرایانه معناداری در رابطه بین سبک های دلبستگی و گرایش به مصرف مواد دارند؟

روش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش همبستگی از نوع مدل معادلات ساختاری است. جامعه آماری پژوهش حاضر، جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان مشغول به تحصیل در مقطع کارشناسی دانشگاه پیام

نور قم در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ بودند از جامعه آماری فوق نمونه به تعداد ۲۸۵ دانشجو به صورت نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. افراد در صورتی که معیارهای ورود/خروج زیر را گذرانده بودند، وارد مطالعه شدند: سن تأیید شده بالای ۱۸ سال؛ سابقه مصرف مواد؛ عدم سابقه اختلالات عصبی یا اختلالات روانپزشکی با ویژگی‌های روان‌پریشی، متعهد به رعایت الزامات خودداری از مصرف داروهای غیرقانونی در طول مطالعه و رضایت آگاهانه کتبی برای شرکت. داده‌های ۲۸۵ فرد با سابقه مصرف مواد جمع‌آوری شد. اصول اخلاقی رعایت شده و عدم تضییع حقوق شرکت‌کنندگان در پژوهش، از جمله محرمانه بودن اطلاعات شخصی به دست آمده به طور کامل برای شرکت‌کنندگان توضیح داده شد. و پس از توضیح اهداف پژوهش برای دانشجویان، پرسشنامه‌ها در اختیار آنها قرار گرفت و آنان پرسشنامه‌ها را تکمیل نمودند. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخص‌های توصیفی همچون میانگین، انحراف استاندارد و فراوانی و درصد استفاده شد. در بخش استنباطی آزمون پیرسون و مدل‌یابی معادلات ساختاری به کار گرفته شد. با استفاده از نرم‌افزارهای Spss23 و Lisrel 8.8 مورد تحلیل قرار گرفت.

ابزار پژوهش

پرسشنامه سبک‌های دلبستگی تجدید نظر شده کولینز و رید (RAAS): این مقیاس که توسط کولینز و رید (۱۹۹۰) مورد بازنگری قرار گرفت. هدف اصلی این مقیاس سنجش مهارت‌های ایجاد روابط و شیوه‌ی شکل دهی روابط دلبستگی نسبت به چهره‌های دلبستگی می‌باشد. این مقیاس مشتمل بر ۱۸ ماده است که ۱۲ ماده مربوط به سنجش سبک دلبستگی ناایمن می‌باشد. نتایج تحلیل عاملی، سه زیرمقیاس را در این پرسشنامه نشان می‌دهد: (۱) دلبستگی: میزانی که اعتماد آزمودنی را به دیگران می‌سنجد (۲) نزدیک بودن: میزان آسایش در رابطه با صمیمیت و نزدیکی هیجانی را اندازه‌گیری می‌کند. (۳)

اضطراب: ترس از داشتن رابطه را در ارتباط‌ها می‌سنجد. به طور کلی، زیرمقیاس اضطراب با دلبستگی اضطرابی - دوسوگرا، زیرمقیاس نزدیک بودن با دلبستگی ایمن و زیرمقیاس وابستگی با دلبستگی اجتنابی تطابق دارد (کولینز و رید، ۱۹۹۰). کولینز و رید (۱۹۹۰) اعتبار زیرمقیاس‌های این مقیاس را هم از طریق آلفای کرونباخ و هم از روش بازآزمایی پس از دو ماه بازآزمون، بین ۰/۶۹ تا ۰/۷۵ گزارش کرده‌اند. ضریب اعتبار این پرسشنامه نیز با استفاده از شیوه‌ی بازآزمایی بر روی ۱۰۵ دختر و پسر در شهر تهران ۰/۹۷. گزارش گردیده است. روایی این پرسشنامه نیز مناسب گزارش شده است (فیروزآبادی و همکاران، ۲۰۱۴). در پژوهش حاضر جهت محاسبه ضریب پایایی از روش آلفای کرونباخ استفاده شده که ۰/۸۶ به دست آمد.

پرسشنامه سبک‌های مقابله‌ای لازاروس و فولکمن

(CSQ): این پرسشنامه براساس سیاه راهبردهای مقابله‌ای توسط لازاروس و فولکمن در سال ۱۹۸۰ ساخته شده است و در سال ۱۹۸۵ مورد تجدید نظر قرار گرفت و نحوه‌ی پاسخگویی افراد به حوادث استرس‌زا را از طریق ۹۰ گویه مورد سنجش قرار می‌دهد. پرسشنامه لازاروس در ایران بر روی نمونه ۷۵۰ نفر زوج میانسال و نمونه ۷۶۳ نفر دانش‌آموزان دوم و سوم دبیرستان هنجاریابی شده است. برای بررسی پایایی ضریب آلفای کرونباخ در مقیاس‌هایی از ۰/۶۱ تا ۰/۷۹ می‌باشد (فارابی و همکاران، ۲۰۲۲). در پژوهش حاضر اعتبار پرسشنامه مذکور ۰/۷۵ محاسبه گردید.

برنامه راهبردهای تنظیم شناختی هیجان: این مقیاس توسط وید و همکاران (۱۹۹۲) با هدف سنجش گرایش به اعتیاد ساخته شد. این مقیاس دو عامل آمادگی فعال و آمادگی منفعل به گرایش به اعتیاد را از طریق ۳۵ گویه مورد سنجش قرار می‌دهد و با ۵ گویه دروغ‌سنجی که دارد در مجموع مشمول ۴۰ گویه می‌باشد. این پرسشنامه با توجه به شرایط روانی - اجتماعی جامعه ایرانی توسط

¹ - Weed, N

زرگر (۱۳۸۵)، مورد بازبینی قرار گرفت. در پژوهش زرگر و همکاران (۱۳۸۵) جهت محاسبه روایی این مقیاس از دو روش روایی ملاکی و روایی سازه استفاده شد. در روایی ملاکی، پرسشنامه آمادگی به اعتیاد دو گروه معتاد و غیر معتاد را به خوبی از یکدیگر تمیز داده است. روایی سازه مقیاس از طریق همبسته کردن آن با مقیاس ۲۵ ماده ای

یافته‌ها

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه مورد مطالعه در پژوهش، ۹۵ نفر (۳۲/۵۰ درصد) ۲۲-۱۸ ساله، ۱۰۰ نفر (۳۵ درصد) ۲۷-۲۳ ساله و ۹۰ نفر (۳۲/۵۰ درصد) ۴۰-۲۸ ساله بودند. همچنین ۱۴۲ نفر (۵۰/۷۰ درصد) از افراد شرکت کننده در پژوهش پسر و ۱۳۸ نفر (۴۹/۳۰ درصد) دختر بودند.

فهرست بالینی علائم بالینی ۰/۴۵ محاسبه شده است که معنی دار می باشد. اعتبار مقیاس با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۰ محاسبه شد که در حد مطلوب می باشد. در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۸ به دست آمد.

همچنین از مجموع شرکت کنندگان ۱۵۱ نفر (۵۳ درصد) مجرد و ۱۳۴ نفر (۴۷ درصد) متاهل بودند. میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. یافته‌های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش

متغیر	مؤلفه	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی
گرایش به اعتیاد					
		۱۴۷/۲۸	۱۸/۴۹	-۱/۰۶۲	۰/۷۲۹
سبک دل‌بستگی نایمن	سبک دل‌بستگی اجتنابی	۱۱/۱۷	۳/۳۸	-۰/۰۵۳	-۰/۳۶۹
	سبک دل‌بستگی اضطرابی	۱۰/۹۷	۳/۶۲	۰/۲۲۴	۰/۰۳۸
	نمره کل	۲۲/۱۵	۴/۴۴	۰/۰۹۰	۰/۹۴۳
سبک‌های مقابله‌ای	سبک مقابله مستقیم	۸/۱۲	۳/۲۴	۰/۳۵۳	-۰/۵۶۶
	سبک فاصله گرفتن	۷/۶	۳/۲	۰/۷۲۳	۰/۴۵۹
	سبک خودکنترلی	۱۰/۶	۳/۲۶	۰/۲۹۲	-۰/۱۵۶
	سبک طلب حمایت اجتماعی	۱۰/۵۷	۳/۵۴	۰/۰۹۶	-۰/۷۵۳
	سبک پذیرش مسئولیت	۶/۷۵	۲/۱۴	۰/۳۵۴	-۰/۵۶۷
	سبک گریز / اجتناب	۱۰/۱۱	۴/۱۵	۰/۲۹۷	-۰/۱۶۵
	سبک حل مسئله	۹/۹	۳/۶۸	۰/۴۱۶	-۰/۶۷۸
	سبک ارزیابی مجدد مثبت	۱۲/۱۳	۳/۸۷	۰/۲۹۵	-۰/۶۲۸

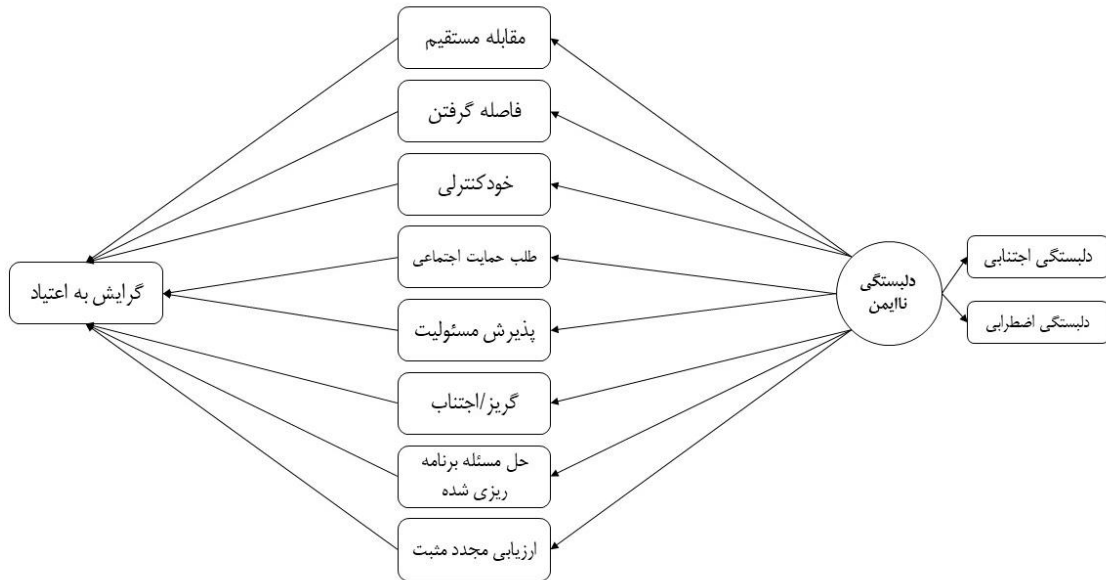
جدول فوق علاوه بر اطلاعات مربوط به میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهشی، شاخص های کجی و کشیدگی را نیز برای هر یک از متغیرها ذکر کرده است. در

صورتی که شاخص کجی و کشیدگی برای متغیری بین ۲+ تا ۲- قرار داشته باشد، می توان فرض کرد که توزیع نمرات در متغیر مذکور نرمال است. از آنجا که شاخص کجی و

کشیدگی برای تمامی متغیرهای پژوهش حاضر در این فاصله اطمینان قرار دارد، بنابراین می توان نتیجه گرفت که توزیع نمرات آزمودنی ها در تمامی متغیرها نرمال می باشد.

در ادامه مدل مفهومی تدوین شده ارتباط بین متغیرهای پژوهش یعنی سبک دلبستگی ناایمن، سبک های مقابله ای و گرایش به اعتیاد نشان داده شده است (نمودار ۱).

شکل ۱: مدل گرایش به اعتیاد بر اساس دلبستگی ناایمن با میانجی گری سبک های مقابله ای



مدل مفهومی در پژوهش حاضر رابطه سبک دلبستگی ناایمن با گرایش به اعتیاد را از طریق نقش واسطه ای سبک های مقابله ای فرض می کند. بر این اساس سبک دلبستگی ناایمن به عنوان متغیر مستقل (متغیر درون زا)، گرایش به اعتیاد به عنوان متغیر وابسته (برونزاد) و متغیر سبک های مقابله ای به عنوان متغیر میانجی یا واسطه ای تعریف شدند (شکل ۱). جدول ۲ شاخص برازش مدل را بررسی کرده است.

جدول ۱: شاخص های برازش مدل

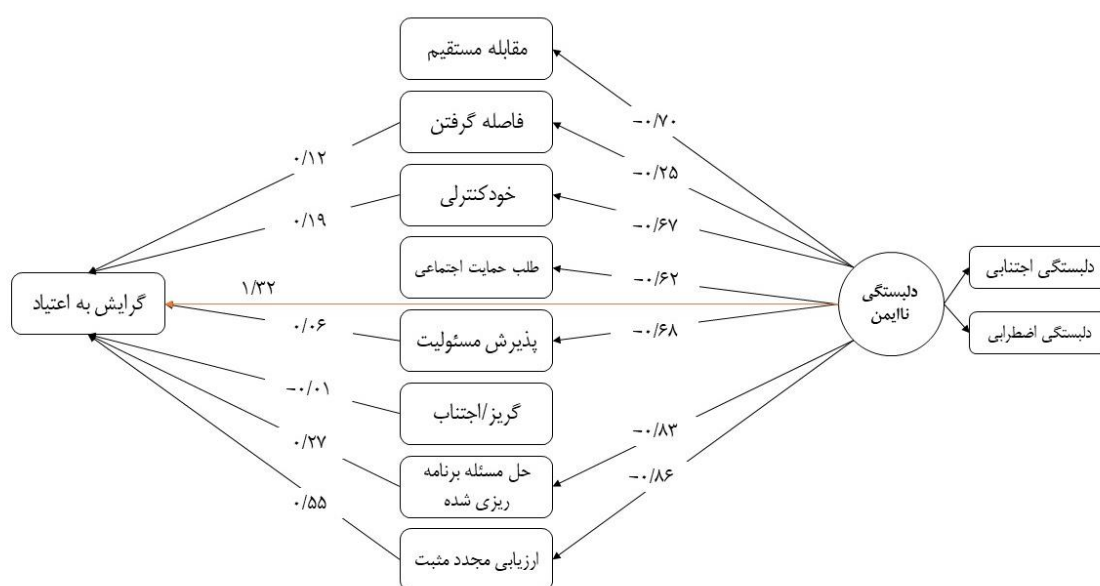
شاخص ها	دامنه پذیرش	مدل اصلی	مدل های اصلاح شده
			حذف مسیر:
			✓ سبک دلبستگی ناایمن به سبک مقابله ای گریز/اجتناب
			✓ سبک مقابله مستقیم به گرایش به اعتیاد
			✓ سبک مقابله جستجوی حمایت اجتماعی به گرایش به اعتیاد
			افزودن مسیر خطای اندازه گیری:
			✓ دلبستگی اجتنابی به گرایش به اعتیاد
			✓ دلبستگی اجتنابی به دلبستگی اضطرابی
			✓ دلبستگی اضطرابی به سبک فاصله گرفتن
			✓ دلبستگی اضطرابی به سبک گریز/اجتناب

✓ سبک مقابله مستقیم به سبک ارزیابی مجدد مثبت			
✓ سبک فاصله گرفتن به سبک خودکنترلی			
✓ سبک فاصله گرفتن به سبک گریز/اجتناب			
✓ سبک جستجوی حمایت به سبک حل مسئله			
✓ سبک گریز/اجتناب به سبک حل مسئله			
۴۷	۳۹	-	NPAR
۵۸/۳۱۱	۲۳۵/۴۷۵	-	CMIN
۳۰	۳۸	-	DF
۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	-	P
۱/۹۴۴	۶/۱۹۷	1 - 5	CMIN/DF
۰/۰۵۸	۰/۱۳۵	< 0.07	RMSEA
۰/۵۱۶	۰/۵۴۰	> 0.5	PNFI
۰/۹۷۲	۰/۸۰۷	> 0.9	CFI
۰/۹۴۶	۰/۷۸۲	> 0.9	NFI
۰/۹۴۹	۰/۷۲۱	> 0.9	TLI

این اصلاح از طریق حذف سه مسیر اصلی و افزودن ۹ مسیر
خطا صورت گرفت (شکل ۲).

همان گونه که مشاهده می شود مدل اصلی که توسط
پژوهشگر طراحی شده بود برازش مطلوب نداشته و از همین
رو جهت کسب شاخص های مطلوب برازش اصلاح گردید.

شکل ۲: مدل برازش شده گرایش به اعتیاد بر اساس دلبستگی ناایمن با میانجی گری سبک های مقابله ای



پس از اصلاح مدل، اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرها به شرح جدول ۳ حاصل گردید. همان‌گونه که اشاره شد، در مدل برازش یافته سه مسیر اصلی حذف گردیده است، علت این حذف عدم معناداری مسیرهای مذکور بود. به طور کلی نتایج مربوط به بررسی برازش این مدل مشخص می

کند که سبک دلبستگی ناایمن به شیوه مستقیم و غیرمستقیم از طریق سبک های مقابله ای فاصله گرفتن، خودکنترلی، پذیرش مسئولیت، حل مسئله برنامه ریزی شده و ارزیابی مجدد مثبت می تواند بر گرایش به اعتیاد تاثیر بگذارد.

جدول ۳: اثرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرها

متغیر	دلبستگی ناایمن	مقابله مستقیم	فاصله گرفتن	خود کنترلی	طلب حمایت	پذیرش مسئولیت	گریز / اجتناب	حل مسئله	ارزیابی مجدد مثبت
اثر مستقیم	-۱/۷۱۳	-	۰/۲۲۹	۰/۲۱۸	-	۰/۰۹۴	-۰/۰۶۵	۰/۵۶۵	۰/۵۸۳
اثر غیر مستقیم	۱/۲۴۰	-	-	-	-	-	-	-	-
اثر کل	-۰/۴۷۳	-	۰/۲۲۹	۰/۲۱۸	-	۰/۰۹۴	-۰/۰۶۵	۰/۵۶۵	۰/۵۸۳

طبق اطلاعات ارائه شده در جدول ۳، سبک دلبستگی ناایمن اثر غیرمستقیم (۱/۲۴۰) و مستقیم (-۱/۷۱۳) معناداری بر گرایش به اعتیاد دارد. هر چند که این اثرات در مجموع یکدیگر را خنثی می کنند (با توجه به جهت اثرگذاری مستقیم و غیر مستقیم)، اثر کل دلبستگی ناایمن بر گرایش به اعتیاد (-۰/۴۷۳) نیز معنادار است. در واقع باید گفت که اثر مستقیم سبک دلبستگی بر گرایش به

اعتیاد مثبت بوده و این نشان دهنده رابطه مثبت بین این متغیرها می باشد. اثر غیر مستقیم سبک دلبستگی ناایمن بر گرایش به اعتیاد از طریق سبک های مقابله ای به نحوی بیان می کند که سبک های مقابله عمدتا تاثیر سبک دلبستگی ناایمن را بر گرایش به اعتیاد کاهش می دهد تا حدی که رابطه مستقیم بین این دو متغیر را به شکل رابطه منفی در می آورد.

بحث و نتیجه گیری

نتایج پژوهش حاضر حاکی از آن بود که سبک دلبستگی ناایمن به طور مستقیم و غیر مستقیم از طریق سبک های مقابله ای قادر به پیش بینی گرایش به مواد مخدر بود. همانگونه که بالبی بیان کرده است، روابط اولیه در محیط خانواده می تواند به عنوان الگویی در روابط اجتماعی بعدی فرد ایفای نقش کرده و سبک های دلبستگی فرد را تشکیل دهد. سبک های دلبستگی مختلف نیز آمادگی های فردی متفاوتی را در موقعیت های مختلف ایجاد می کنند. به عنوان مثال سبک دلبستگی ناایمن (اضطرابی و اجتنابی)

می تواند بر نگرش افراد نسبت به مصرف مواد و آمادگی برای گرایش به اعتیاد تاثیر داشته باشد (نیکولیناکو و همکاران، ۲۰۲۴). در واقع سبک های دلبستگی که به واسطه سرمشق گیری و تقلید از رفتارهای دیگران و مخصوصا والدین و در نتیجه درونی سازی ارزش ها و رفتارهای در کنار روش های کنترل اجتماعی و انضباطی آنها شکل گرفته است، می توان نحوه تفکر افراد نسبت به مواد مخدر و اعتیاد را تحت تاثیر قرار دهد (یونس و همکاران، ۲۰۲۴). سبک دلبستگی ناایمن در افراد عمدتا

ناشی از سرخوردگی شدید در ارتباط با والدین و به ویژه مادر بوجود آمده، سرخوردگی ای که باعث می شود این افراد به جای تمرکز بر منابع دلبستگی برای احساس ایمنی بر امور و اشیای بیرونی تمرکز کرده و به آنها وابسته شوند. در چنین شرایطی، افراد اشاء و امور بیرونی را به نوعی جایگزین منبع دلبستگی خود کرده و در مسیر جستجوی منبع دلبستگی با ثبات به آنها تمایل پیدا می کنند. یکی از این اشیاء یا امور بیرونی که می تواند نقش منبع دلبستگی ایمن را برای این افراد ایفا کند، مواد مخدر است؛ در واقع در این افراد مصرف مواد به عنوان یک جایگزین برای موضوع دلبستگی به شمار می رود (دانگ و همکاران، ۲۰۲۴). در همین زمینه پژوهش سانچز-فرناندز و همکاران (۲۰۲۴) نشان داد افرادی که وابستگی به مصرف مواد را تجربه می کنند عموماً با تجربیات شدید سرخوردگی مخصوصاً در ارتباط با مادر و بی توجهی های رابطه ای بزرگ شده اند و در نتیجه توانایی خودتنظیم گری و ساختارهای مرتبط با کنترل درونی ضعیفی را گزارش می کنند. در چنین شرایطی می توان انتظار داشت که این افراد جهت جبران کمبودهای درونی خود به سمت مصرف مواد خدر روی بیاورند. در واقع باید گفت که سبک دلبستگی ناایمن (اضطرابی و اجتنابی) به واسطه افزایش تنش، اضطراب و افسردگی باعث افزایش روابط منفی و گسترش احساس تنهایی در افراد شده (لو آری و همکاران، ۲۰۲۳). هنگامی که انسان در این شرایط قرار گرفته و به لحاظ عاطفی و اجتماعی حمایتی را دریافت نمی کند، تنهایی از نظر روانشناختی بر فرد غلبه کرده و این احساس تنهایی خود می تواند زمینه گرایش به اعتیاد را در افراد تقویت کند (صالحی و همکاران، ۲۰۱۲). علاوه بر این شاید بتوان ارتباط بین سبک های دلبستگی ناایمن و گرایش به مصرف مواد را از طریق نظریه خودتحقیری کاپلان نیز توضیح داد. در این نظریه بیان شده است که سبک دلبستگی ناایمن باعث ایجاد تمایل به عضویت در گروه های نامتعارف در افراد جهت احساس پذیرش اجتماعی و خودارزشمندی می شود. عموماً در این گروه ها گرایش به مصرف مواد به واسطه

برخورد با افرادی که این تجربه را دارند افزایش می یابد (کاپلان، ۱۹۸۰). از همین رو می توان انتظار داشت که دلبستگی ناایمن با ایجاد احساس عدم امنیت در افراد، تمایل به وابستگی به منابع عاطفی نامتعارف را بیشتر کرده و در چنین شرایطی افراد جهت رسیدن به ثبات، تمایل بیشتری نسبت به مصرف مواد مخدر نشان دهند. در واقع با توجه به تبیین های ارائه شده می توان گفت که نبود منبع دلبستگی ایمن که منجر به شکل گیری سبک دلبستگی ناایمن در افراد می شود، ممکن است به دو شیوه مختلف باعث گرایش افراد به مواد مخدر گردد، در شکل اول جایگزینی مواد مخدر با منبع دلبستگی گرایش به مواد را تقویت می کند و در شکل دوم جایگزینی گروه های غیرمتعارف با منبع دلبستگی ایمن باثبات احتمال گرایش افراد را به سمت مواد مخدر افزایش می دهد (لو آری و همکاران، ۲۰۲۴). با توجه به پژوهش های انجام شده می توان انتظار داشت که فردی که دلبستگی ناایمن دارد، به علت عدم ثبات عاطفی و احساس عدم امنیت سعی کند با وابستگی به یک منبع عاطفی بیرونی (مواد یا گروه های غیرمتعارف) این فقدان را جبران کند و در این مسیر تمایل بیشتری به مصرف مواد پیدا می کند (بهمنی و همکاران، ۲۰۲۳). تبیین دیگری نیز می توان برای ارتباط بین سبک دلبستگی ناایمن و گرایش به مصرف مواد ارائه کرد وقتی افراد سبک دلبستگی ناایمن را تجربه کنند، احساس فقدان اعتماد به نفس شدید دارند، قادر به خودتنظیمی نیستند، حمایت اجتماعی و تایید خانواده کمی دارند و احساس طرد شدگی زیادی را از سمت شبکه های اجتماعی تجربه می کنند. در این شرایط فرد ممکن است در مواجهه با هر مشکل کوچک و بزرگی، به دلیل ناتوانی در حل مسائل و نبود شبکه های حمایت اجتماعی، سطح بالایی از اضطراب و استرس را تجربه کند و از آنجا که قادر به کنترل شرایط بیرونی نیستند تصمیم بگیرند که با تغییر شرایط درونی کنترل شرایط را بدست بگیرند. یکی از راه های تغییر شرایط درونی در این موقعیت ها مصرف مواد مخدر می باشد. بنابراین می توان انتظار داشت که سبک

دلبستگی نایمن احتمال گرایش به مصرف مواد مخدر را در افراد بیشتر سازد (گوری و همکاران، ۲۰۲۳).

نتایج دیگر این پژوهش به تاثیرگذاری سبک دلبستگی نایمن بر گرایش به مصرف مواد از طریق سبک های مقابله ای اشاره کرد. در تبیین یافته حاضر میتوان بیان کرد زمانی که افراد با چالش های بوجود آمده به صورت منطقی، مسئله مدارانه و توأم با ارزیابی مثبت برخورد می کنند، می توانند تهدیدهای موقعیت های تنش زا را تبدیل به فرصتی برای رشد کنند (روحانی و اسماعیلی، ۲۰۱۴). در واقع باید گفت که در صورتی که فرد قادر به استفاده از راهبردهای مقابله ای موثر و کارآمد باشد می تواند به فرد کمک کند که واکنش های متفاوت و مثبت تری به سطوح بالای فشار روانی نشان داده و در نتیجه آثار زیانبار این فشارها را کاهش دهد. یکی از مهمترین علل گرایش به رفتارهای پرخطر از جمله گرایش به مواد مخدر، تجربه فشار روانی زیادی است که افراد با آن مواجهه می شوند، و در صورتی که سبک های مقابله ای بتواند این فشار روانی را کاهش دهد، در نتیجه می توان انتظار داشت که احتمال گرایش به مواد مخدر در این افراد کاهش یابد (بهمنی و همکاران، ۲۰۲۳).

در واقع راهبردهای مقابله ای مثبت از طریق ایجاد حس مسئولیت در افراد آنها را ترغیب به تلاش بیشتر برای یافتن راه حل مشکلات به جای تحمل مشکلات می سازد در نتیجه می توانند با تسلط و کفایت مطلوب با مشکلات مواجه شوند، مسئله ای که توانایی آنها را برای تحمل

مشارکت نویسندگان

تمام نویسندگان در طراحی، اجرا و نگارش همه بخش های پژوهش حاضر مشارکت داشته اند.

associated with digital addiction among students taking university entrance tests: a GIS-based study. BMC psychiatry, 24(1), 322. Amirnia, E., Mohammadipour, M., & Alizadeh Mousavi, S. E. (2024). Model Evaluation of Addiction Tendency According to Parenting Styles with the Mediation Role of Emotional Self-Regulation in University Students. Journal of Modern Psychological Researches, 19(73), 182-192. doi: 10.22034/jmpr.2023.55115.5401

(مدیریت) فشار روانی افزایش داده و همزمان با حل برخی از مشکلات و غلبه بر آنها، میزان فشار روانی را نیز کاهش می دهد (تکین و همکاران ۲۰۲۱). این در حالی است که استفاده از سبک های نامناسب مقابله ای می تواند منجر به انکار مشکلات از سمت افراد گردد و در نتیجه با اجتناب از مشکلات، افراد را وادار سازد بدون در نظر گرفتن موقعیت به شکل تکانشی به مسائل واکنش نشان دهند. در نتیجه باید گفت که سبک های مقابله ای به عنوان بخشی از نیمرخ آسیب پذیری فرد به شمار می رود که می تواند نقش تعدیل کنندگی بالقوه ای در عملکرد فرد بر مبنای متغیرهای بنیادین تری همچون سبک دلبستگی داشته باشد (لو آری و همکاران، ۲۰۲۴).

محدودیت های پژوهش حاضر به دلیل استفاده از پرسش نامه تمام محدودیت های پرسش نامه را دارا است و همچنین نمونه پژوهش حاضر شامل دانشجویان دانشگاه پیام نور قم بود از این رو در تعمیم نتایج پژوهش به سایر دانشجویان کشور باید احتیاط شود. با توجه به محدودیت های فوق پیشنهاد می شود در پژوهش های آینده برای گردآوری داده ها از مصاحبه ساختاریافته یا نیمه ساختاریافته استفاده شود. همچنین، انجام پژوهش با جامعه ای گسترده تر و روی گروه های مختلف سنی و دانشجویان شهرهای مختلف انجام گیرد و مقایسه نتایج آن با یافته های پژوهش حاضر می تواند ارتباط متغیرهای مطالعه شده روشن تر شود.

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان این مقاله تعارض منافع ندارد.

References

- Ahmadi, S. S., & Sharei, A. (2023). A. The relationship between harmful use of mobile phones and emotional-behavioral problems in self-harming adolescents: with the mediation of self-control. Journal of Research in Psychological Health, 19(3), 1-15.
- Al-Mamun, F., Hasan, M. E., Mostofa, N. B., Akther, M., Mashruba, T., Arif, M., ... & Mamun, M. A. (2024). Prevalence and factors

- Bahmani, T., Naseri, N. S., & Fariborzi, E. (2023). Relation of parenting child abuse based on attachment styles, parenting styles, and parental addictions. *Current psychology*, 42(15), 12409-12423.
- Cheng, M., Wang, S., Wang, Y., Zhang, R., & Qin, L. (2023). Physical activity reduces internet addiction among "post-00" college students: The mediating role of coping styles. *Frontiers in Psychology*, 13, 1052510.
- Coffman, E., Swank, J., & Bayne, H. B. (2024). The attachment adaptation process model: Developing attachment security after experiencing addiction in the family. *Family Relations*, 73(2), 1455-1473.
- Collins, N. L., & Read, S. J. (1990). Adult attachment, working models, and relationship quality in dating couples. *Journal of personality and social psychology*, 58(4), 644.
- Dineen, J., & Dinc, L. (2024). Love addiction: Trait impulsivity, emotional dysregulation and attachment style. *The European Journal of Psychiatry*, 38(3), 100255.
- Dong, W., Tang, H., Wu, S., Lu, G., Shang, Y., & Chen, C. (2024). The effect of social anxiety on teenagers' internet addiction: the mediating role of loneliness and coping styles. *BMC psychiatry*, 24(1), 395.
- Eichenberg, C., Schneider, R., & Rimpl, H. (2024). Social media addiction: associations with attachment style, mental distress, and personality. *BMC psychiatry*, 24(1), 278.
- Faryabi, R., Rahimi, T., Daneshi, S., Movahed, E., Yusefi, A. R., Shahrokhbabadi, M. S., ... & Clark, C. C. (2022). Stress coping styles in family and relatives of coronavirus disease 2019 (COVID-19) patients in the south of Iran: application of Lazarus and Folkman's theory of stress coping. *Open Public Health Journal*, 15(1).
- Firoozabadi, A., Abedi, Z., Aliyari, R., Zolfaghari, B., & Ghanizadeh, A. (2014). Psychometric characteristics of the persian (farsi) version of attachment style questionnaire. *Iranian journal of medical sciences*, 39(6), 506.
- Gori, A., Russo, S., & Topino, E. (2023). Love addiction, adult attachment patterns and self-esteem: Testing for mediation using path analysis. *Journal of Personalized Medicine*, 13(2), 247.
- Huang, J., Yang, Z., Wang, Q., Liu, J., Xie, W., & Sun, Y. (2024). The relationship between family cohesion and bedtime procrastination among Chinese college students: the chain mediating effect of coping styles and mobile phone addiction. *BMC psychiatry*, 24(1), 250.
- Kaplan, H. B., & Kaplan, H. B. (1980). *Deviant behavior in defense of self*. New York: Academic Press.
- Kline, R. B. (2023). *Principles and practice of structural equation modeling*. Guilford publications.
- Lazarus, R. S., & Folkman, S. (1984). *Stress, appraisal, and coping*. Springer publishing company.
- Lev Arey, D., Sagi, A., & Blatt, A. (2023). The relationship between exercise addiction, eating disorders, and insecure attachment styles among recreational exercisers. *Journal of Eating Disorders*, 11(1), 131.
- Li, H., Watkins, L. R., & Wang, X. (2024). Microglia in neuroimmunopharmacology and drug addiction. *Molecular Psychiatry*, 1-13.
- Nikolinakou, A., Phua, J., & Kwon, E. S. (2024). What drives addiction on social media sites? The relationships between psychological well-being states, social media addiction, brand addiction and impulse buying on social media. *Computers in Human Behavior*, 153, 108086.
- Robinson, T. E., & Berridge, K. C. (2024). The Incentive-Sensitization Theory of Addiction 30 Years On. *Annual Review of Psychology*, 76.
- Rohani, F., & Esmaeili, M. (2020). Psychological factors of vulnerability to suicide ideation: Attachment styles, coping strategies, and dysfunctional attitudes. *Journal of education and health promotion*, 9.
- Salehi, E., Fallahchai, R., & Griffiths, M. (2023). Online addictions among adolescents and young adults in Iran: The role of attachment styles and gender. *Social Science Computer Review*, 41(2), 554-572.
- Sánchez-Fernández, M., & Borda-Mas, M. (2024). Motor impulsivity and problematic online behaviours among university students: the potential mediating role of coping style. *Current Psychology*, 1-11.
- Spanagel, R., Bach, P., Banaschewski, T., Beck, A., Birmphohl, F., Bernardi, R. E., ... & ReCoDe Consortium. (2024). The ReCoDe addiction research consortium: Losing and regaining control over drug intake—Findings and future perspectives. *Addiction Biology*, 29(7), e13419.
- Tekin, M. S., Özdemir, N., & Şahin, Ş. K. (2021). Effect of attachment styles, emotional

- regulation difficulty and mindful attention levels on treatment motivation in patients with substance use disorder. *Journal of Substance Use*, 26(4), 441-448.
- Üstündağ, A., Uzun, A., & Akpınar, A. (2024). Addiction and Attachment in Romantic Relationships: A Study on Young People.
- Weed, N. C., Butcher, J. N., McKenna, T., & Ben-Porath, Y. S. (1992). New measures for assessing alcohol and drug abuse with the MMPI-2: The APS and AAS. *Journal of personality assessment*, 58(2), 389-404.
- Younis, N. M., Ahmed, M. M., & Ibrahim, R. M. (2024). Self-efficacy of Health Beliefs Models Toward Addiction among Students. *Journal of Current Medical Research and Opinion*, 7(07), 3303-3312.
- Zargar, Y., Najarian, B., & Naami, A. Z. (2008). The relationship of some personality variables, religious attitudes and marital satisfaction with addiction potential in personnel of an industrial factory in Ahvaz.